

معرفی کتاب^۱

آموزش عمومی هنر: چیستی، چرایی، و چگونگی

تألیف: دکتر محمود مهرمحمدی

انتشارات مدرسه، چاپ اول، ۱۳۸۳

کتاب آموزش عمومی هنر: چیستی، چرایی، و چگونگی، در ۲۵۶ صفحه، شامل شش فصل زیر، تدوین و منتشر شده است:

فصل اول) آموزش هنر در آینه نظر؛

فصل دوم) رویکردهای برنامه‌ریزی آموزش هنر؛

فصل سوم) روشهای آموزش و ارزشیابی در حوزه هنر؛

فصل چهارم) برنامه درسی هنر در ایران؛

فصل پنجم) برنامه درسی هنر در گستره جهانی؛ و

فصل ششم) نقد و ارزیابی وضع موجود آموزش هنر در ایران و ارائه راهبردها و کاربردها.

مؤلف، در مقدمه کتاب، با امید احیای آموزش هنر و رفع جلوه‌های نازیبای آموزش هنر در نظام آموزشی، می‌نویسد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

^۱- در شماره قبلی فصلنامه به معرفی جلد اول از کتاب "روشهای کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی" اثر مردیت گال، والتر بورگ، و جویس گال (ترجمه دکتر احمدرضا نصر و همکاران) پرداختیم و محتوای جلد دوم را نیز، با استفاده از نسخه اصلی، معرفی کردیم. اکنون لازم است به اطلاع خوانندگان محترم برسانیم که جلد دوم کتاب نیز، که همانند جلد اول از انتشارات سازمان سمت و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی است، به چاپ رسیده و انتشار یافته است.

"مقدمات شکل‌گیری یک نهضت یا جنبش تربیتی، در جهت احیای هنر در نظامهای آموزشی، خصوصاً در کشورهای پیشرفته و صنعتی، فراهم شده است. انبوه مدارک و منابع علمی موجود - که عمدتاً در دو دهه اخیر تولید و عرضه شده است - زیرساخت محکم و استواری را، به لحاظ نظری، فراهم ساخته است؛ که در سایه استلزامات آنها، توجه و اهتمام عملی به تربیت هنری در نظامهای آموزش و پرورش، امری خردمندانه و بالعکس، بی‌توجهی و بی‌مهری به آن، سیاستی غیرهوشمندانه و نابخردانه قلمداد می‌شود. گویی به نقش و جایگاه منحصر به فرد هنر، در دستیابی جوامع بشری به رشد و توسعه در ابعاد مختلف علمی، اقتصادی، صنعتی، اجتماعی، اخلاقی، و ... از نو توجه شده است؛ و بر این اساس، تربیت هنری که می‌تواند ضامن استفاده شایسته از طرف هنر باشد، به یکی از کانونهای توجه سیاستگذاران در عرصه اصلاحات نظام آموزشی بدل شده است. در دوره‌های پیشین، توجه به هنر در اکثر نظامهای آموزشی دنیا، نوعی سهل‌انگاری تربیتی و غفلت نسبت به استانداردهای جدی عملکردی تفسیر می‌شد، و از برنامه‌های درسی به دلیل عدم اهتمام کافی به آموزش دروس اساسی و پایه، انتقاد می‌شد. در تفکر امروزین دربارهٔ تعلیم و تربیت، دیگر لازمه حفظ استانداردهای آموزشی، حذف یا به حاشیه راندن دروسی مانند هنر تلقی نمی‌شود.

به اعتقاد متخصصان، در پارادایم جدید تعلیم و تربیت، حفظ استانداردهای بالای آموزشی در گرو قرار دادن هنر و زیبایی‌شناسی در مرکز، و به عنوان هسته اصلی، برنامه درسی یا اصلاح نظام آموزشی است. همچنین، زمان پرسش از حقانیت، ضرورت، یا مشروعیت آموزش هنر سپری شده است؛ چرا که ضرورت آن مانند آموزش، بهداشت، و سلامتی روشن و بدیهی است و چون و چرا بردار نیست. از دید بسیاری از افراد شاخص و برجسته در حوزه تعلیم و تربیت و خارج از آن، آموزش هنر باید، حتی، به یک بخش اساسی از برنامه درسی مدارس بدل شود. باید بر هنر، در کنار مهارت‌های اساسی سه‌گانه‌ای که به رسمیت شناخته شده‌اند (خواندن، نوشتن، و حساب کردن)، به عنوان چهارمین مهارت اساسی و پایه، در برنامه درسی تأکید شود و بی‌مهری و انزوای سنتی و تاریخی از آن رخت بریند.

بسیار جای تأسف خواهد بود اگر در اسناد حاوی سیاستهای اصلاحات در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، جای پای "هنر" که یک حوزه نیازمند توجه و تحول است، به روشنی دیده نشود و یکی از محورهای اساسی اصلاحات، بدین ترتیب، از غفلت و بی‌مهری تاریخی رهایی نیابد. همان گونه که اشاره شد، حتی در جوامعی که دارای غنای فرهنگی و هنری در سطح کشور ما نیستند، سیاستگذاران اصلاحی در نظامهای آموزشی، به سمت عطف توجه به هنر به عنوان یک راهبرد اصلاحی میل کرده است. سیاستگذاران نظام آموزشی در کشور ما، باید با عنایت به حقیقت تربیت هنری و آثار فراگیر آن، به ضرورت ارتقای جایگاه هنر در برنامه‌های درسی بیش از پیش توجه و از کوششهایی که در این زمینه به عمل می‌آید پشتیبانی کنند."

موفقیت نویسنده دانشمند کتاب را از خداوند متعال مسألت داریم.